



رهائی

سال اول شماره ۳۰

دوشنبه اول اردیبهشت ۱۳۵۹

شماره ۵ ریال

کردستان و دانشگاه

حمله ارتجاع و اوجگیری مقاومت

آنچه ادعا میکنند نه صرفاً دانشگاهها و غربی بسودن مرفعی یوس آر، بلکه هدف سرکوب کلیه آزادیهای دموکراتیک در سراسر کشور و در این راستا سرکوب جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلق قهرمان کرد میباشد. ارتجاعی رنجبروار وقایع از سخنرانی معروف بنی صدر که ادامه ی مانور ارتش در دره ی قاسملو، کشتار قلاتان، کشتار درود و اندیمشک - سیح ملی علیه عراق و اعزام حدود لشکر به کردستان، بیانگر آنست که پیام و رهنمود نورو امام: "امسال امنیت باید نه کشور باز گردد" به بهترین وجهی مستمعین خودش را - دولت ارتجاعی جمهوری اسلام ایران - باقمه است، در همه ی اهرمهای ممکن از قسد سیاسی منابر تا فائتوم های ارتش جمهوری اسلامی بکس کرده شده است تا براسی "امنیت" - امنیت - ورژوآز را به ایران بار گردانند.

بخطا بخواهم رفت اگر این حرکت جدید ارتجاعی رز حاکم را خودسای جدید در بهار آزادی بنامیم، هر چند که این کودتا در عوامل احرائی خوشی با کودتای ۲۸ مرداد تفاوت هایی دارد. اگر چه در کودتای ۲۸ مرداد نقس "روحانیت" و "سپاه پاسداران" و مسئله ی "دفاع از اسلام" با سودا یمنار نقش دولت، شورای انقلاب و ارتش و هجوم پناه شعار "دفاع از ایران" تعیین کننده بود. در ۲۸ مرداد سال گذشته "اسلام" محور اساسی و در فروردین ۵۹ "ایر محور اساسی" نهیج مردم بود و این بیش از هر چیز نش

پادگان مهاباد تقویت میگردد، ستون بررگی از ارتش از کرمانشاه عازم سنندج میشود، پادگاهای سفر، مریوان از راه زمین و هوا تقویت میشوند، در میان دو آب موشک انداز زمین زمین استالین و مجهز به موشکهای کاتوشینا مستقر میشود، در تبریز هوانیروز بحال آماده باش است، و اینها همگی جزئی از برنامه های رژیم بنی صدر - خمینی در "مبارزه با امپریالیسم امریکا و حکومت بعثت عراق است". مد البته این برنامه بدیج حا حتم نمی گسردد و مقدمات و سپس بدیصال آن، دانشگاه تبریز، سپس پلیسی - تکنیک، هنرهای تزئینی، تربیت معلم، شیراز، مشهد، ... بدست سربازان اسلام فتح میگردد و در هر دو مورد بنی "روحانیت مبارز و ضد امپریالیست" و در راس آن آیت الله خمینی با تمام نیرو از آنچه محور بنی صدر - بهشتی مشق انجام و پیاده کردن آن میباشد، پشتیبانی میکند.

وقایعی که در هفته ی گذشته اتفاق افتاد، خودبیا بگر اهداف رژیم است. اگر در وقایع ۲۸ مرداد ۵۸ هنوز سراسری بسیاری از مردم ارتباط واقعه ی حمله به آئندگان و بستن دفاتر سیاسی سازمانها و هجوم به کتابفروشی ها ... با لشکرکشی به کردستان روشن نبود، در فروردین ۵۹ در دومس سالگرد بهار آزادی!! بکرار همین وقایع - با دلالتی سمرانب منخره تر از آنچه در مرداد ۵۸ ارائه میشود - برای العین مردم نشان داد که افسار سبز هدف علیرغم

دهنده‌ی سنگین تر شدن کفه‌ی ترازو در هیات حاکمه بسود
بورژوازی است. اگر در حوادث مرداد ماه کردستان، ارتش
همکاری موثری با پاسداران نشان نداد و در بسیاری از
معرکه‌ها عماداً آنها تنها رها نمود، هدفش نه کارشکنی
در جنگ با کفار بلکه نشان دادن لزوم وجود یک ارتش
منظم و قوی به مسئولان امر بود. مسئولان امر بخوبی
این پیام را دریافتند. سرانجام ارتشی که میبایست
بنا بر توافقات هویزر-بازرگان - بهشتی حفظ شود،
بدنبال اولین شکست مفتضحانه‌ی پاسداران در کردستان
تقویت گشته ارتش از هم پاشیده‌ی محمدرضا شاهی بصورت
ارتش جمهوری اسلامی بمثابه‌ی یک عامل مهم به نفع تشبیت
بورژوازی وارد حیات سیاسی جامعه گردید. سیر حوادث پاره
بسیاری نشان داد که شعار "ارتش برادر ماست، پاسدار
دشمن ماست" چیزی جز شعاری در خدمت تقویت جناح بسورژوازی
در ترکیب هیئت حاکمه نیست. چنانکه شعار "ارتش بیست
میلیونی" و "پاسداران نیک صفت" چیزی جز تقویت جناح
خرده‌بورژوازی در بلوک حاکمه نیست.

اما چگونگی ترکیب طبقاتی هیئت حاکمه نه تنها در
شعارهای هیئت حاکمه و ارگانهای اجرایش منعکس میگردد
بلکه در شکل جنگ آینده و پیامدهای آن نیز موثر
است. زیرا آنچه در مقابل پیشروی جنبش قرار میگیرد
ظاهراً و همانند گذشته دیگر بخشی از هیئت حاکمه نیست،
بلکه هیئت حاکمه‌ی ایران در تمامیت آنست. این دیگر
پاسداران و با ارتش، قوه‌ی مجریه خرده‌بورژوازی و با
قوه‌ی مجریه‌ی بورژوازی نیست که بنوبت زیر آتش هجوم
نیروهای مترقی واقع میشوند، بلکه این تمامی هیئت حاکمه
- یعنی خرده‌بورژوازی و بورژوازی اعم از "لیبرال" یا
"غیر لیبرال" - آنست که هدف قرار میگیرد، و نتیجتاً
جنبش هدفش نه در معدوده‌ی نظام حاکم و نه در چهار چوب
تعمیلات موری در همان سامانه‌ی اجتماعی بلکه فراتر از آن
و در حرکت بسمت مقابله با این نظام - سرمایه‌داری - به
پیش میرود و تدریجاً چنانکه حوادث اخیر در کردستان
نشان میدهد، شعار عمومی جنبش - حداقل در آن خنّه از انقلاب
به شعار نابودی ارتش ارتجاعی و سپاه پاسداران تبدیل
میگردد و نتیجتاً شعار "دموکراسی برای ایران، خودمختاری
برای کردستان" در مضمونی غالبتر و در شکلی که لازمی
تحقق مقابله با نظام سرمایه‌داری است بیان میشود.
گزافه نیست اگر بگوئیم که در حال حاضر آنچه در کردستان
میگذرد برای جنبش سرتاسری ایران تعیین کننده است.
کردستان تنها بخشی از انقلاب است که توده‌ها در آن مسلحند،
توده‌ها نبرنگهای هیئت حاکمه را تا حدود زیادی دریافته‌اند، و
برآنند که پوزه ارتش ارتجاعی و پاسداران مزدور را به خاک
بمالند. رژیم این را بخوبی دریافته است. بی‌جهت نیست که برآیند
نیروهای مختلف در کردستان با یکدیگر تلاقی می نمایند و
انقلاب و ضد انقلاب در مقابل یکدیگر بدینسان صف آرایی میکنند.
هرگام در جهت پیروزی انقلاب و شکست ارتش، گامی است در جهت
سرتکونی رژیم فعلی، و برعکس در صورت پیروزی رژیم در این
منطقه دریای خون کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی سراسر

خاک ایران را کلکون خواهند نمود. از اینرو است که دفاع از
کردستان نه تنها دفاع از "حق ملل در تعیین سرنوشت" بلکه
علاوه بر آن دفاع از انقلاب ایران است. پس بکوشیم که با چنگ
و دندان، با قلم و اسلحه از انقلاب در کردستان دفاع نمائیم.



همچنانکه اشاره شد دامنه جنبش انقلابی به کردستان
محدود نمیشود. آنچه امروز اپوزیسیون فعال نام دارد تنها
به جنبش ملیتهای تحت ستم منحصر نمیشود. در کنار این
جنبشها، جنبش روبه‌اعتلای کارگری، جنبش پرتوان دانشجویی
و دانش‌آموزی، جنبش پرچوش و لوطی‌کننده سیکاران، مبارزات
زنان و... وجود دارد که طلیعه همه جانبه شدن انقلاب در
سرتاسر ایران است. هرچند در این بخش از جنبش آنچه امروزه
فعلیت دارد جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی و در کنار آن حرکت
بخشهای آگاه و فعال جنبش کارگری است. اما آنچه همیشه بعنوان
یک عامل بسیار مهم در شرایط بحران عمل میکند و در جهت حرکت
نیروهای مختلف سیاسی تعیین کننده است نیروی بالقوه نیرو-
های اجتماعی درگیر است. همچنانکه در شرایط بحران پیش از
قیام "ناگهان" جنبش کارگری تحت تأثیر حرکات سیاسی جامعه
رشدیافت و اعتمادات سرتاسری انجام گرفت، تحت این شرایط
یعنی در صورت تداوم بحران اجتماعی - اقتصادی و فعالیت
نیروهای سیاسی در جهت مقابله با تشبیت رژیم حاکم، این
نیروهای بالقوه که خود را در کلیه زمینه‌های اجتماعی نشان
میدهد، میتواند بعنوان یک عامل مهم در جهت تحول و قایم
آینده نقش بازی نماید. آنچه که در نزد ایدئولوگهای
مذهبی "معجزه" نام میگیرد و "پیروزی مردم"، "یکدلسی و
یکپارچگی" را امری خدا خواسته تفسیر میکند، چیزی جز همین
نیروی نهفته و با نیروی بالقوه نیست که در کشاکشهای
اجتماعی، بخصوص در جنبشهایی مانند جنبش ایران که دینا میسم
حرکت بمراتب فراتر از "آگاهی" قرار دارد، نقش بازی
میکند. بعبارت دیگر همان معجزه‌ای که این آقایان را
بقدرت رسانید، چنان در حال شکل گیری است که "بالائی"ها
از هم اکنون در فکر چاره‌اند. هنگامیکه بنی صدر در نقش
خطاب به بازاریان از وقوع طوفان خشم توده‌ها در مورد
گرانی سخن میگوید بخوبی دریافته است که اولین گردبادهای
این طوفان سهمگین در حال وزیدن است. پس او با دو دست
بمیدان میآید از یکسو وعده‌ی نان و کار میدهد و بر آن
میشود که از "بتیان" بحل مسئله همت گمارد و اقتصاد
ورشکسته‌ی سرمایه‌داری را نجات دهد، بیکاری را علاج نماید،
به کشاورزی سر و سامان بخشد... و بدین ترتیب از ایجاد
زمینه‌های "مناسب" برای انفجار جدید جلوگیری نماید و از
سوی دیگر اهرم قدرت را بدست میگیرد و بر آن میشود که
"آتش‌بیار" معرکه‌های آینده را نابود کند. مکمل تئوری
"امنیت" بنی صدر - خمینی - بهشتی در کردستان، نابودی
پر شورترین بخش جنبش چپ، جنبش دانشجویان و دانش‌آموزان
آموزان انقلابی در مناطق غیر ملیت نشین است. هیئت
حاکمه نه تنها نگران نیروی بالقوه جنبش مردمی است
از اینرو وعده‌ی نان و کار میدهد، بلکه نگران آن جریانهایی
است که می‌توانند و سعی دارند که به این نیروی بالقوه

شکل دهند، پس ناچار است که جنبش دانشجویی - دانش آموزی را سرکوب کند، و چون حداقل با توجه به نجار ب تاه قادر به عملی مستقیم به دانشگاه ها نیست، دانشگاه را تبدیل به صحنه‌اشی از جنگ ملیبی میکند. و در اینجا "انجمنهای اسلامی دانشگاهها" و "دانشجویان پیرو خط امام" که براساسی قافیه ر در دانشگاهها باخته بودند، بخدمت گرفته میشوند، و نه تنها اینان بلکه زهرا خانمها هم بکار می افتند. تا سر نوشت دانشگاه - جنبش دانشجویی و علم را در این کشور روشن نمایند، و همانطور که میدانیم، دانشگاهها بدست مسلمانان فتح می گردد و مدارکی نظیر جزوه و کتاب و طرح توسط "پیروان خط امام" کشف می گردند. خط کش مهندسی بی بعنوان علامت چکش ضبط میگردد و آنچه در دبیرخانه یکی از دانشگاهها بعنوان "طرحی در مورد دانشگاه کردستان" یافت میشود بعنوان ارتباط دانشگاهیان با "فاصله"ی کردستان در انبار دانشجویان پیرو خط امام با بگانی می شود. اما اگر در نزد بنی صدر چنین جمله‌ای دقیقاً ناشی از محاسبات سیاسی "خطرات" جنبش دانشجویی برای ادامه‌ی تشبیت، حرکت رژیم سرمایه داری بود، برای آخوندهای حکومتی از صدر تا ذیل علاوه بر این محاسبه‌ی سیاسی مسئله‌ی فدیت با تمدن و علم نیز مطرح بود. در جامعه‌ای که توضیح المسائل نقش داشه المعارف را بازی کند باید زهرا خانمها رئیس دانشگاهها و هادی غفاری ها در دانشگاههای مختلف به تدریس بیره آزند و خلق الله را از گمراهی علمی نجات دهند. در حقیقت آنچه آخوندیسم در این "برهه از زمان"!! به ما می طلبد نه تنها چپ و نیروهای مترقی بلکه اساساً علم و تمدن است.

بهر رو رژیم تا روز سه شنبه به نیروهای سیاسی مهلت داده است که ستادهای خود را از دانشگاه برچینند و گرنه "مردم" به دانشگاهها خواهند آمد. و آقای بنی صدر نیز برای آنکه نشان دهد دموکرات است!! وعده‌ی ستاد خارج از دانشگاهها را می دهد. صد البته صدا و سیمای جمهوری در این مورد بی طرف نیست. همان روزیکه دانشگاهها تسخیر میشوند از اوپاش بنام "امت مسلمان" یاد می شود و مراسم سالگرد ۹ شهید فدائی و مجاهد از اخبار رادیو و تلویزیون با تفسیر پخش می گردد، و این نشان دادن چرغ سبز دموکراسی به رفقای است که اعظیمترین نیروی متشکل دانشگاهها را در پشت سردارند. این ادامه‌ی همان شگردی است که وعده‌ی ستاد خارج از دانشگاه را میدهد. بنظر

بی رسد که این چراغ سبز، تا بحال بی تأثیر نبوده است، چه علیرغم گذشت چند روز از وقایع حمله به دانشگاهها و علیرغم مقاومت توده‌های دانشجویی، تا تاریخ نگارش این سطور اعلامیه‌ی رسمی از جانب سازمان چریکهای فدائی خلق صادر نشده است و این در حالی است که رفقای پیشگام در اکثر درگیریها در کنار دیگر رفقا حضور فعال داشته‌اند. عدم اقدام سازمان فدائیان مبنی بر صدور اعلامیه و حتی کارشکنی بعضی از بخشهای پیشگام در امر تشکیل کمیته‌های مقاومت در دانشگاهها نشان دهنده‌ی تزلزل سیاسی حاکم بر ایشان در مورد مسئله‌ای چنین مهم است. بهر رو بنظر می رسد که شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی در مصافهای اولیه، پیروزی نسبی بدست آورده و موفق شده‌اند که فعلاً دانشگاهها را بزیر کنترل خویش در آورند ولی مبارزات جنبش دانشجویی با این اقدام رژیم نه تنها خاتمه نمی‌یابد بلکه تشدید می گردد. و جنبش دانشجویی عملاً از این پس نه فقط گروههای فشار زهرا خانمی بلکه "شورای انقلاب" را در مقابل خود خواهد داشت، و این امر غسود به رادیکالیزه شدن هر چه بیشتر جنبش دانشجویی منجر خواهد شد. از سوی دیگر جنبش دانشجویی باید با افشای مسئله‌ی هجوم به دانشگاهها در میان توده‌ی مردم و نشان دادن ارتباط این مسئله با مسائل دیگر درون جامعه مانند کردستان، کرانی، تورم، بیکاری... دژ محکمی را در مقابل پشورش جدید ارتجاع ایجاد نماید. دفاع از دانشگاهها، دفاع از آزادی و دفاع از انقلاب است و این امر نه تنها مربوط به دانشجویان و دانشگاهها بلکه همچنین منوط به حرکت عمومی زحمتکشان ایران است. باید با تمام قوا از دانشگاهها دفاع کرد و باید با تمام قوا به بسیج هر چه بیشتر مردم در دفاع از آزادی و انقلاب پرداخت. ●

هفته نامه
رهائی
 نشریه
 سازمان وحدت
 کمونیستی

توطئه‌ی همزمان رژیم سرمایه داری حاکم، علیه دانشگاهها و خلق کرده‌ی هدفش سرکوب آزادی و انقلاب و تضعیف مبارزه‌ی ضد امپریالیستی و تثبیت ارتجاع است.
با تمام نیروها از استقلال دانشگاهها، سنگ آزادی، دفاع کنیم.